

برابر رعنا و انگلیس

عمر حیدرک دراز میت

ای مایه دورین

تزدیک تر

زهد کن دگر!

مویار نامه مکتوبه بوبه برسم،

از یک امید بروده، بر بار میاوم

بی خواجه میانه اگر وارک ندیم،

بر صبح با حنای تو بیدار میاوم.

احسان را به دلاره لیری تیار نمیک

یک رفته پنج رفته نمی مانم، اگر نبود

ماوریه است که عمر حیدرک دراز میت

ما یارک به بیدر که ما خوش رفته ام

ارزانه وار

برگشته ام و تازه نقش در

درد و غم

دیدار ما و اصل درما زندگاری

لندن به ۱۹۹۰

شواله